

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۴ آذر ۱۴۰۲

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)

سلام بر زمان و آنچه در جانش به ودیعه دارد مانند ساعات امروز که در آینه‌ی جانش مصیبتی را ذخیره نموده که حکایت از جان مطهر کوثری دارد. حکایتی که زمان قادر به توصیف غمش نمی‌باشد. گوهری بی‌همتا، هدیه‌ای از طرف پروردگار عالم. عالمه‌ای که عملش زمان را متحیر نموده بود، در اثر جهل کوردلانی که قادر به تشخیص ذخایر الهی نبودند از عصرها و دوران‌ها گرفتند. گوهری که امروز به دل خاک می‌رود شهیده‌ی زنده و پاینده است و پروردگار وجود با برکتش را از ذخایر زمان قرار داد تا همواره از شجره‌ی وجود با عظمتش عالم از برهنگی به باغ‌های فردوس تبدیل شود. باغ‌های پر ثمره‌ای که هیچ خزانی در آن راه ندارد. نام با برکتش معنا کننده‌ی یحیی و یُمیت است. چه زبانی قادر به توصیف این گوهر ملکوتی است درحالی‌که پروردگار نام با برکتش را خود انتخاب فرموده تا دوستاندانش به دنبال حقیقت شأن و مقام خلیفه‌ای باشند که در خانه‌ی امیر مؤمنان (ع) منشأ خیر و برکت بود. با طلوع هر خورشید هزاران نعمت پنهان و آشکار بر مردمان آن زمان می‌بارید و آنان کوردلانی بودند که هرگز توان درک این نعمت الهی را نداشتند. جهلی که همواره سایه‌ی سنگین خویش را بر سر مردمان عصرها می‌افکند تا با درونی خالی از فهم و درک نعمت‌های خداوند کریم عمرشان به پایان برسد؛ مانند چهارپایان از خانه خارج شوند و با غروب خورشید جان‌های مرده در کالبدشان را به خانه بیاورند. هرگز به خلقتشان اندیشه نمی‌کنند هدایت انبیاء را بازیچه‌ای فرض می‌کنند که دیگر کاربردی ندارد. معجزه‌ی قرآن کریم را در نیازهای روزمره‌شان خلاصه می‌کنند و درکی از عظمتش ندارند، پیرو عقلی هستند که بیرونش جذاب و درونش تاریک و پوشالیست. روح حقیری که توان درک نعمت خویش را ندارد چگونه قادر است تا نعمت پروردگارش را بشناسد. نعمتی که هم اکنون در محضرش نشسته است و او را غایب از هدایتش می‌بیند. دست یاری‌اش را به اندیشه‌های ذهنی ناتوان می‌سپارد و همواره او را به فرج دولتش می‌خواند، دولتی که از نعمتش تغذیه می‌کند و ناتوان از فهم و درکش است. چگونه توان درک

کوثری را دارد که برای آمدنش به شادی می‌پردازد. وجود مقدسش را در آمدن و رفتنش خلاصه می‌کند. وای بر احوال کسانی که در غفلت نعمت‌های عمرشان روزها را سپری می‌کنند درحالی‌که مانند قوم بنی‌اسرائیل از درک طعام آسمانی محروم‌اند و به دنبال کاشته‌ی وجود خویش می‌روند. مزرعه‌ای که هرگز حاصلی جز افسوس را به دنبال ندارد.

امشب به دامن با برکت بانویی متوسل می‌شویم که کوثر همواره جاری پروردگار عالم است و می‌تواند ظلمات جان‌ها را به نام با برکتش از میان بردارد. جان‌های مرده در کالبد خاکی را به جانی ملکوتی تبدیل فرماید پس او را بخوانید به برپایی حق و نابودی باطل، همان حقی که زمان‌ها و دوران‌ها منتظرانش هستند و همواره او را می‌خوانند به نوای:

اللهم عجل لولیک الفرج